

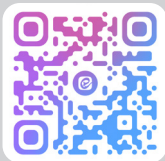


نبرد سرخوشت؛

ارتش
۳۰ میلیونی

مجموعه پیام‌های تبیینی پیرامون
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 payamenehzat.ir

 [@ paiaamenehzat](mailto:paiaamenehzat)

فهرست

۴	پیام اول	اعلام آمادگی میلیونی مردم، محاسبات دشمن برای مواجهه آینده را تغییر خواهد داد.
۵	پیام دوم	مشارکت گسترده مردم در پویش جان فدا، دست دشمن را در مذاکرات از باج‌گیری کوتاه می‌کند.
۶	پیام سوم	آمار بالای پویش جان فدا نشان از اراده، ایستادگی و مقاومت ملت ایران است.
۷	پیام چهارم	پویش جان فدا این پیام را به بیرون از مرزها مخابره می‌کند که ایران در برابر تهدید منفعل نیست.
۸	پیام پنجم	پویش جان فدا به وضوح نشان داد که مردم ستون اصلی امنیت ملی هستند.
۹	پیام ششم	پویش جان فدا عمق هویت ملی ایرانیان را ظاهر کرد.
۱۰	پیام هفتم	این پویش، یک پاسخ مردمی در میدان همبستگی در برابر جنگ روایت‌هاست.
۱۱	پیام هشتم	پویش جان فدا اثبات چندین باره فرهنگ جمع‌گرایی میان ایرانیان است.
۱۲	پیام نهم	مشارکت مردم در پویش جان فدا نشان داد ملت و دولت ایران از یکدیگر جدایی ناپذیرند.
۱۳	پیام دهم	پویش جان فدا نشان داد که جنگ شناختی می‌تواند معکوس عمل کند و روحیه داخلی را تقویت نماید.
۱۴	پیام یازدهم	پویش جان فدا نمایانگر حقیقت فرهنگ انقلابی مردم ایران است.
۱۵	پیام دوازدهم	پویش جان فدا نشانه‌ای از آمادگی و تاب‌آوری ملت ایران تا رسیدن به حقوق ملی خود است.
۱۶	پیام سیزدهم	مهم‌ترین عامل حجم مشارکت در پویش جان فدا موضع حق‌گرایانه ایران در این جنگ است.
۱۷	پیام چهاردهم	بیعت ۳۰ میلیونی، نویدبخش نزول سکینه، فتح قریب و نصرت‌های پیاپی الهی است.

اعلام آمادگی میلیونی مردم، محاسبات دشمن برای مواجهه آینده را تغییر خواهد داد.

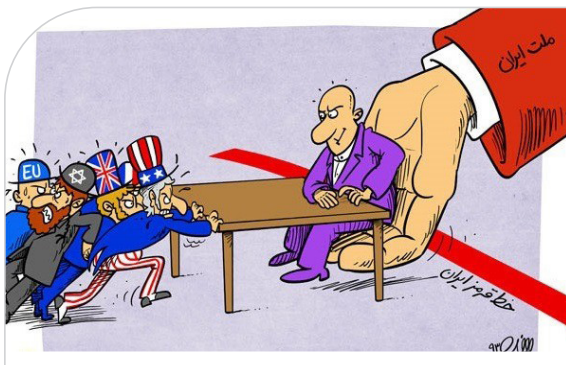
تصور جامعه چندقطبی و فروپاشیده از ایران در ذهن دشمنان، توهمی بود که محاسبات آنها را به خطا و انحراف کشاند. دشمن، سال ها با سرمایه گذاری بر روی ایده های متوهمانه ای مانند شکاف های نسلی، قومی و مذهبی، تلاش کرد تصویری از ایران ازهم گسیخته و آماده فروپاشی را در افکار عمومی و محافل تصمیم گیری بین المللی جا بیندازد. تلاش او در ایجاد دوقطبی های مختلف اجتماعی، اقداماتی از این دست بود. آنان با بهره گیری از شبکه های گسترده رسانه ای و عملیات روانی، به دنبال همراه سازی بخش هایی از جامعه با پروژه براندازی نرم و سخت خود بودند. هدف اصلی آنان ایجاد تردید در اراده ملی و دامن زدن به نارضایتی های اقتصادی و اجتماعی بود تا بتوانند از این شکاف ها به عنوان نقطه

ضعف در میدان سخت و اهرم فشار در مذاکرات استفاده کنند.

اما پویش جان فدا باطل السحر همه این طرح ها بود. حضور میلیونی و خودجوش مردم در این پویش، پس از سنگین ترین کمپین های نظامی و شناختی دشمن و ایجاد فشار مضاعف بر مردم، نه تنها توهم جامعه چندقطبی را نقش بر آب کرد، بلکه اثبات نمود که ملت ایران علیرغم تفاوت های سلیقه ای و سیاسی، در موضوعات حیاتی مانند حفظ استقلال، تمامیت ارضی و آرمان های انقلابی، کاملاً متحد و یکپارچه است. دشمن ناگهان با واقعیتی غیرمنتظره روبرو شد، جامعه ای به غایت مستحکم و ایستاده بر اصول خود که نه تنها با تطمیع و تهدید از پا در نمی آید بلکه همبستگی و اتحاد خود را افزایش می دهد. این اعلام آمادگی میلیونی مردمی، محاسبات دشمن را برای هرگونه مواجهه آینده، چه در میز مذاکره و چه در میدان، به کلی تغییر خواهد داد. آنان دریافتند که هرگونه باج گیری و تحمیل خواسته، با پاسخی قاطع از سوی ملت همراه خواهد بود. از این جهت می توان گفت، پویش جان فدا، خط بطلانی بود بر سناریوهای ساده انگارانه تجزیه و فروپاشی ایران و دشمن دریافت که با ایرانی به غایت پیچیده و مستحکم روبرو است که قادر است سناریوهای خصمانه و چندوجهی آنها را نقش بر آب کند.



مشارکت گسترده مردم در پویش جان فدا، دست دشمن را در مذاکرات از باج گیری کوتاه می کند.



مذاکرات از منظر طرف آمریکایی، بخشی از کارزار نظامی و جنگی به شمار می رود. آنها به موازات اقدامات خصمانه حداکثری، در میز مذاکره نیز به دنبال باج گیری، تسلیم بی قید و شرط و تحمیل خواسته های حداکثری خود به طرف مقابل هستند. مشارکت چشم گیر مردم در پویش جان فدا در کنار حضور حماسی شبانه در

خیابان ها، پشتوانه مهمی برای تیم مذاکره کننده ایرانی ایجاد کرد. ملتی که در خیابان ها همواره شعار حمایت و پشتیبانی از نظام را سر می دهد و مطالبه ایستادگی بر روی منافع ملی و شروط تعیین شده رهبر انقلاب در میز مذاکره را طلب می کند، در میدان کارزار نظامی و سخت هم اعلام آمادگی کرده است. همچنین این پویش، نشان دهنده بلوغ سیاسی و آگاهی بالای جامعه ایرانی است که با درک صحیح از شرایط حساس، در صحنه حاضر می شود تا اجازه ندهد دشمن از مذاکرات به عنوان ابزاری برای باج گیری و تحمیل خواسته های خود استفاده کند. در نتیجه، مشارکت حداکثری در این پویش، تضمین کننده شکست استراتژی فشار حداکثری و زمینه ساز پیشبرد اهداف ملی در عرصه بین المللی خواهد بود. شرکت در پویش جان فدا این پیام را به طرف مذاکره کننده ابلاغ می کند که طیف های متنوع مردمی بر سر آرمان های خود ایستاده است و حاضر است تا پای جان هزینه های آنرا بپردازد و در مقابل زیاده خواهی های متوهمانه دشمن به هیچ وجه کوتاه نخواهد آمد. چنین همبستگی ملی دشمن را از محاسبه غلط درباره فروپاشی اراده عمومی باز می دارد و افق روشنی برای پیشبرد دیپلماسی عزتمندانه و موفق ترسیم می کند.

آمار بالای پویش جان فدا نشان از اراده، ایستادگی و مقاومت ملت ایران است.

زمانی که کشور ما با تجاوز خارجی روبه‌رو شد، قیام مردم برای اعلام آمادگی دفاع از میهن می‌تواند به یکی از معنادارترین نمادهای همبستگی ملی تبدیل شود. در چنین وضعیتی، راه‌اندازی یک پویش داوطلبی سراسری و ثبت نام میلیون‌ها نفر، صرفاً یک آمار سرد و خشک نیست؛ بلکه «نقشه‌ای از اراده جمعی» است که در قالب عددها خود را نشان می‌دهد. وقتی تعداد داوطلبان پویش دفاعی به سی میلیون نفر رسیده، این رقم نه یک عدد صرف، بلکه سی میلیون تصمیم، سی میلیون اراده و سی میلیون اعلام حضور است. پشت هر عدد، فردی ایستاده که در شرایط حمله دشمن، انتخاب کرده که بی تفاوت نماند و سهم خود را



هرچند کوچک ادا کند. در چنین شرایطی، این ارقام تبدیل به زبانی می‌شوند که پیام ملت را به روشنی منتقل می‌کند: «ایستاده‌ایم!»
این حجم از مشارکت داوطلبانه، یک پشتوانه روانی و راهبردی بزرگ برای ساختار دفاعی و مدیریتی کشور به شمار می‌آید. حتی اگر همه افراد مستقیماً به میدان نروند، نفس ثبت نام آن‌ها نشان می‌دهد که جامعه نه دچار ترس شده و نه دچار دوگانگی؛ بلکه در لحظه تهدید، حول دفاع از سرزمین خود به یک اراده واحد تبدیل شده است. هر عدد در چنین پویشی، یک نقطه روشن از مقاومت جمعی است. این عددها کنار هم قرار می‌گیرند و تصویری می‌سازند که بزرگ‌تر از هر آمار دیگری است: تصویری از ملتی که در روز سخت، پشت سر ایران اسلامی، ایستاده است.

پویش جان فدا این پیام روشن را به بیرون از مرزها مخابره می‌کند که جامعه ایران در برابر تهدید منفعل نیست.



ماهیت جنگ روانی دشمن بر یک پیش‌فرض ساده استوار است، ایجاد رعب و تردید در درون جامعه هدف. مهاجمان شناختی تصور می‌کنند با بمباران اطلاعاتی، بزرگ‌نمایی تهدیدها و القای ناامیدی می‌توانند شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر کنند. آنها گمان می‌برند جامعه‌ای که تحت فشار اقتصادی و رسانه‌ای قرار دارد، در بزنگاه تهدید خارجی از هم می‌پاشد. پویش جان‌فدا این پیش‌فرض را به روشنی باطل کرد. آنچه رخ داد دقیقاً خلاف جهت مورد انتظار دشمن بود، فشار بیرونی واکنشی درونی و گسترده آفرید که از مرز ۳۰ میلیون مشارکت‌کننده همزمان با نگارش این متن گذشت.

هنگامی که تهدید، هویت جمعی را نشانه می‌رود، انسان‌ها به جای تسلیم، به ریشه‌های تعلق خود چنگ می‌زنند. فشار روانی دشمن در مورد ایران به جای ایجاد انفعال، موتور محرکی شد برای بازتولید همبستگی. هر شهروندی که نام خود را در این پویش ثبت کرد، در واقع پاسخی شخصی به جنگ شناختی داد و اعلام کرد که ارباب، او را از میدان بیرون نرانده و به عکس مصمم‌تر به صحنه آورده است. نکته درخشان این رویداد، ماهیت خودجوش آن است. در بسیاری از الگوهای تاریخی، مقاومت در برابر جنگ روانی نیازمند فرماندهی متمرکز و بسیج سازمان‌یافته است. اما جان‌فدا که پویشی ساده و کم‌هزینه است نشان داد که سرمایه اجتماعی انباشته در لایه‌های جامعه ایران، خودبه‌خود و بدون نیاز به فراخوان‌های پرهزینه، می‌تواند به یک سپردفاعی تبدیل شود. این دقیقاً همان نقطه کور محاسبات دشمن است، ناتوانی در درک پیوندهای عاطفی و هویتی که ملت ایران را به هم متصل می‌کند. جنگ شناختی مدرن برای تضعیف روحیه، طراحی شده، اما تجربه جان‌فدا نشان داد که ملت ایران این معادله را وارونه کرد. تهدید بیرونی به بستری برای بازسازی اقتدار درونی بدل شد و این همان درسی است که دشمنان این سرزمین دیر یا زود باید بیاموزند، حمله به هویت ایرانی راه منفعل کردن ملت ایران نیست زمانی که این هویت مورد حمله قرار بگیرد شعله‌های وفاداری را فروزان‌تر می‌سازد. پویش جان‌فدا؛ بیانیه‌ای راهبردی و مستند از شکست جنگ روانی در برابر اراده یک ملت است.

پویش جان فدا به وضوح نشان داد که مردم ستون اصلی امنیت ملی هستند.

نظام ایران نظامی مردم سالار است که هم فرایند تأسیس را بر عهده داشت چنان که بدون شلیک گلوله ای حضرت روح الله ره با الله اکبرهای خیل عظیم جمعیت در اقصی نقاط کشور نظام استبداد استعماری را فتح کرد، و هم در فرایند تثبیت در انواع بزرگراه ها مانند دفاع مقدس هشت ساله کاملاً مردمی و بدون ازدست دادن یک وجب خاک، کشور را به پیروزی رساند. اینک نیز که دو قدرت هسته ای که یکی رأس نظام سلطه جهانی است و دیگری وحشی ترین رژیم فرانژادپرست به ما هجوم آورده اند، دوباره این مردم و این ساخت مردم سالار به میدان آمده است. جلوه ظاهراً غیرمنتظم آن جوشش میلیون ها انسان در پاسداشت حریم ایران و خون خواهی رهبر شهید در



شهرها و روستاهای ماست که از همان لحظه مواجهه با حمله تاکنون به شکلی خستگی ناپذیر در اعلام وطن دوستی و آمادگی رزم با دشمن در میدان بوده اند و همزمان ضلع مهمی از نقشه دشمن مبنی بر فتنه و ترور داخلی را خنثی کرده اند. اما شروع حرکت جان فدا- با نام بامسمایش- که مشخصات افراد را منضم به اعلام ایشان برای مقابله با هرگونه تجاوز دشمن به صورتی رسمی و ساختارمند ثبت کرده و در ایام نخستین زمزمه هجوم دشمن به جزایر و سرزمین های داخلی کشور شروع شد، سخنی نو و بدیع دارد؛ وقتی بیش از ۳۰ میلیون نفر در حدود ۲۰ روز این آمادگی را اعلام داشتند، درواقع کمیت و جمعیت انبوه خویش را به رخ دشمن کشیدند و نشان دادند ستون اصلی امنیت ملی کشور باز هم مردم هستند. طبعاً یکایک این افراد دارایی توانایی هایی هستند که کشور در این دفاع مقدس و حتی پس از آن می تواند از ایشان بهره جوید اما گیریم که فقط از میان این کمیت انبوه، چند میلیون نفر آمادگی کار با سلاح را به صورت کاملاً بالفعل داشته باشند؛ همین میزان هم به معنای وجود بیش از یک ارتش و سپاه دیگر در عقبه کشور برای حراست نظامی در لحظه و بدون هرگونه توقف ناشی از آماده سازی است.

پویش جان فدا عمق هویت ملی ایرانیان را ظاهر

کرد.



یکی از ویژگی‌های متمایز جامعه ایرانی، تداوم تاریخی فهم ملی از خود است؛ فهمی که ریشه در لایه‌های عمیق تمدنی، زبانی و فرهنگی ایران دارد. از دوران باستان تا امروز، مفهوم ایران نه فقط یک قلمرو جغرافیایی، بلکه یک افق معنایی مشترک بوده است؛ افقی که در اسطوره‌ها، شاهنامه، سنت‌های آیینی، زبان فارسی، حافظه تاریخی و تجربه‌های مشترک زیسته بازتولید شده است. این تداوم، نوعی هویت ممتد ساخته که نسل‌های مختلف را، علی‌رغم تغییرات سیاسی و اجتماعی، در یک چارچوب معنایی واحد پیوند داده است.

هویت ملی زمانی پایدار تلقی می‌شود که به سطح درونی شدن عاطفی برسد؛ یعنی افراد، تعلق به ملت را نه صرفاً یک برچسب حقوقی، بلکه بخشی از خود

اخلاقی و وجودی‌شان بدانند. جامعه ایران از دیرباز چنین ساختاری داشته است، ایران به مثابه خانه تاریخی، خاطره مشترک و میراث تمدنی مردمان این سرزمین بوده است. این فهم ملی در دوره‌های مختلف تاریخی-چه در قالب مقاومت فرهنگی، چه در قالب بازسازی تمدنی، و چه در قالب هم‌بستگی اجتماعی-خود را نشان داده است.

پویش جان فدا را می‌توان یکی از نمودهای معاصر همین هویت عمیق دانست. مشارکت گسترده و چند ده میلیونی در این پویش، فعال شدن لایه‌های رسوب کرده هویت ملی در حافظه جمعی بود. چنین مشارکتی نشان می‌دهد که ایران همچنان برای بخش بزرگی از جامعه، یک مفهوم زنده و درونی است؛ مفهومی که در لحظات خاص به کنش جمعی تبدیل می‌شود. پویش جان فدا را می‌توان تجلی مدرن سنت دیرپایی دانست که در آن ایرانیان، در بزنگاه‌های تاریخی، احساس تعلق مشترک خود را به شکلی ملموس بروز می‌دهند. این پویش، بیش از آنکه یک رخداد منفرد باشد، نشانه‌ای از عمق هویت ملی ایران است؛ هویتی که از گذشته‌های دور تا امروز استمرار یافته و همچنان توان تبدیل شدن به کنش جمعی را دارد.

این پویش با نمایش آمادگی نظامی، یک پاسخ مردمی در میدان همبستگی در برابر جنگ روایت‌هاست.

جان‌فدا با اعضای ۳۰ میلیونی‌اش تاکنون فقط نشان از آمادگی نظامی و رزمی ایرانیان برای دفاع جانانه و جان‌فدایانه از کشورشان را ندارد؛ معنایی عمیق‌تر در کار است. دشمنان ما در تمام این سال‌ها با سرمایه‌گذاری سنگین بر بخش عملیات روانی و جنگ ترکیبی و با استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان با پول‌های کثیف عبری-عربی و نیز



شبکه‌های اجتماعی‌ای که برای تغذیه سویه‌مندان طراح‌ها و هزینه‌ها می‌کنند، اذهان جامعه ایران را هدف قرار داده‌اند. شدت این همه‌ها چنان بوده که نمی‌توان انکار کرد ما برخی از جوانان و حتی مسن‌ترهای خویش را در این هجوم نرم در صف دشمن دیدیم و ایشان در برخی اغتشاشات، اقداماتی رادیکال داشتند و بلکه از این طریق و متکی بر آن اساساً دو جنگ اخیر بر ما تحمیل شد؛ وقتی که دشمن احساس کرد در درون ما یک قشر و طبقه متأثر و پای کار خویش دارد همین را در اتاق‌های جنگ به فاکتور اصلی تصمیم‌سازی ماشین جنگی خویش بدل کرد. اینک اما جان‌فدا باطل السحر آن طراح‌ها و روایت‌ها شده است؛ اینکه اگر واقعاً کشور ما نبرد روایت‌ها را به کلی باخته است، چرا تاکنون ۳۰ میلیون نفر فدایی آماده نبرد و اسلحه به دست با آن بیعتی مجدد داشته‌اند؟! اگر ایران واقعاً کشوری از دست‌رفته است چنان‌که سیاه‌نمایی‌های جنگ روایت‌های دشمن همین را دنبال می‌کرد چرا این خیل عظیم جمعیت بدان دل‌بسته‌اند؛ این کدام زندان است که این همه عاشق و فدایی و آرزومند دارد؟! اگر مردم ایران غیر از جمهوری اسلامی و طایفه محدود ارزشی‌ها - به تعبیر دشمنان‌اند - چرا ۳۰ میلیون نفر از ایرانیان حاضرند خون خویش را به پای ساختار جمهوری اسلامی بریزند؟ این ۳۰ میلیون ارزشی جوشیده از زمین و زمان واقعاً کیستند و از کجا آمده‌اند؟!

واقعیت این است که ده‌ها کلان‌روایت دشمن در مقابل پویش جان‌فدا از مخالفت با اسلام و روحانیت تا آزادی‌خواهی غربی و مانند آن‌ها اینک با جان‌فدایی ایرانیان رنگ باخته و توسط مردم پاسخی جانانه گرفته است.

پویش جان فدا اثبات چندین باره فرهنگ جمع گرایی میان ایرانیان است.



پویش هایی که در سال های اخیر در ایران شکل گرفته و توانسته میلیون ها نفر را در یک اقدام مشترک گرد هم آورد، شاهدی مهم بر تداوم و بازتولید فرهنگ جمع گرایی در جامعه ایرانی است. زمانی که یک پویش به مشارکت ۳۰ میلیونی می رسد، نشانه ای از برانگیخته شدن همان سازوکارهای تاریخی هم بستگی است که در بطن فرهنگ ایرانی ریشه دارد. جامعه ایرانی، چه در قالب های آیینی و چه در قالب های مدرن تر شبکه های اجتماعی، همواره تمایل به کنش های جمعی، همدلی گسترده و بسیج هیجانی-ارزشی حول یک هدف مشترک داشته است. پویش «جان فدا» نمونه روشنی از این ویژگی دیرپاست که افراد از طبقات اجتماعی مختلف، با انگیزه های گوناگون و بدون الزام بیرونی در یک کنش مشارکتی واحد، هم جهت می شوند.

در تحلیل جمع گرایی ایرانی، مؤلفه های برجسته زیادی وجود دارد که به سه مورد آنها در این متن پرداخته می شود. نخست، هم بستگی عاطفی و اخلاقی: مشارکت میلیونی نشان می دهد که مردم احساس می کنند عضوی از یک «ما»ی گسترده اند و رفتار فردی شان در دل یک اراده جمعی معنا پیدا می کند. دوم، فعال شدن سرمایه اجتماعی پیوندی: شبکه های خانوادگی، دوستی و محلی مانند رگ های یک نظام گردش نمادین عمل می کنند و پیام پویش را به سرعت در جامعه پخش می کنند. سوم، هم افزایی نمادین: مشارکت گسترده نوعی تأیید فرهنگی متقابل ایجاد می کند؛ یعنی هر فرد به واسطه دیدن مشارکت دیگران، خود را بیشتر درگیر کنش جمعی می بیند. پویش جان فدا جزء آیین های مدنی معاصر است که در آن فرهنگ جمع گرایی ایرانی بار دیگر خود را آشکار می سازد و نشان می دهد که جامعه ایران، با وجود فردیت گرایی روبه رشد، همچنان ظرفیت بسیج اخلاقی و عاطفی گسترده دارد. پویش جان فدا را می توان نمونه ای برجسته از استمرار الگوهای هم بستگی جمعی ایرانیان دانست؛ الگویی که ریشه در تاریخ، حافظه فرهنگی و شکل خاص روابط اجتماعی ایرانی دارد.

به خلاف جنگ رسانه‌ای در دهه اخیر، مشارکت مردم در پویش جان‌فدا نشان داد ملت و دولت ایران از یکدیگر جدایی ناپذیرند.

در دو دهه گذشته، جامعه ایران در معرض یک جنگ شناختی و روایتی پیچیده قرار داشت؛ جنگی که هدف آن بازتعریف ادراک مردم از نهادهای رسمی، تضعیف اعتماد نهادی و ایجاد فاصله نمادین میان مفهوم ملت و دولت بود. در جنگ روایت‌ها دشمن تلاش زیادی کرد تا پیوندهای تاریخی و فرهنگی میان مردم و



ساخت قدرت را ضعیف کند و در ذهن جمعی، دوگانگی میان «مای مردم» و «دیگران نظام و حاکمیت» را تثبیت نماید. اما پویش جان‌فدا نشان داد که این گسست، بیشتر در سطح ذهنی فعال بوده و در بستر فرهنگی و عاطفی جامعه، شکل واقعی ندارد.

پویش جان‌فدا با مشارکت میلیونی مردم، نوعی بازسازی پیوند ملت-دولت در سطح تجربی را نشان داد. این نوع کنش، نشان‌دهنده آن است که جامعه ایرانی همچنان هویت خود را در نسبت با نظام نمادین قدرت باز می‌سازد و دولت را نه یک دیگری خصمانه، بلکه بخشی از کلیت اجتماعی جامعه ایرانی می‌بیند. در این معنا، دولت از نگاه مردم تجسم جمعی از هویت ملی و حافظه تاریخی است؛ مفهومی که در لحظات هم‌بستگی جمعی، فعال می‌شود. در مقابل جنگ‌های رسانه‌ای دشمن، مشارکت گسترده در این پویش نشان داد که هنگامی که یک ارزش اجتماعی-اخلاقی بزرگ مطرح می‌شود، خطوط گسست ذهنی ساخته شده فرو ریخته و پیکره ملت و دولت به صورت یک شبکه همپوشان معنا و احساس عمل می‌کند. این پویش، نشانه‌ای از درهم‌تنیدگی ساخت نمادین ملت و دولت است که در فرهنگ ایرانی، از طریق حافظه تاریخی، آیین‌های جمعی و احساس مسئولیت اخلاقی نسبت به امر عمومی، تداوم یافته است.

پویش جان فدا نشان داد که جنگ روانی و شناختی می تواند معکوس عمل کند و فشار خارجی، به جای تضعیف روحیه داخلی، آن را تقویت نماید.

پویش جان فدا از مرزهای زبان فارسی عبور کرده و با منطق عدد و اراده، مشغول مخابره پیامی راهبردی به آن سوی مرزهاست. آنچه جهان باید از جان فدا بشنود، صدای فروپاشی یک تصویر قالبی است. سال هاست اتاق های فکر غربی و رسانه های جریان اصلی، جامعه ایران را خسته، سرخورده و آماده عقب نشینی در برابر فشارهای بیرونی تصویر کرده اند. این روایت، چنان تکرار شده که بدیهی انگاشته می شود. حالا جان فدا با ارقامی که هر روز بالا می رود، این پیش فرض را به چالش کشیده است. بیش از ۳۰ میلیون مشارکت کننده، پیش از آنکه یک آمار باشد، یک پیام سیاسی با مخاطبانی کاملاً مشخص است، فرماندهان نظامی که گزینه های روی میز را بررسی می کنند، تحلیلگران راهبردی که هزینه فایده حمله را می سنجند و سیاستمدارانی که تصور می کنند فشار حداکثری ملت ایران را به زانو درمی آورد. محتوای این پیام، روشن است؛ جامعه ایران در برابر تهدید خارجی منفعل نمی نشیند. این انفعال ستیزی، راوی داستانی تازه در معادلات امنیتی خاورمیانه است. دکترین های نظامی کلاسیک، قدرت یک کشور را در توان تخریب و تسلیحاتش جست و جو می کنند اما جان فدا عنصر سومی را وارد این محاسبه می کند، سرمایه اجتماعی آماده برای میدان. جان فدا همچنین پیام آور یک انسجام عملی است. این پویش به نظاره گران بین المللی نشان می دهد که شکاف های داخلی ایران که بزرگ نمایی آن به صنعتی رسانه ای بدل شده، در لحظه تهدید بیرونی ترمیم می شود. حضور هم زمان علما و ورزشکاران، مدیران اجرایی و جوان دانشجو و... در یک فهرست، یعنی ملت ایران برای دفاع از خاک، همه اختلاف ها را کنار می گذارد. این تصویر برای دشمنی که روی گسل های اجتماعی سرمایه گذاری کرده، یک ناامیدی جدی می سازد.

جهان امروز شاهد است که ایران حتی در میدان جنگ شناختی نیز دست به مقاومت فعال زده است. پیام جان فدا به بیرون از مرزها این است، شما می توانید تحریم کنید، می توانید تهدید نظامی را روی میز نگه دارید، می توانید شبکه های بی اعتمادی را در فضای مجازی بگسترانید اما اراده مردمی را که در یک پویش گرد هم می آید و اعلام می کند من ایستاده ام را نمی توانید از بین ببرید؛ این بزرگترین دستاورد راهبردی جان فدا و رساترین پیامی است که این روزها از قلب ایران به گوش جهان می رسد.

پویش جان فدا نمایانگر حقیقت فرهنگ انقلابی مردم ایران است.

پویش جان فدا انعکاس وجهی از فرهنگ انقلابی مردم ایران است که رهبر انقلاب در واپسین سخنرانی‌های منتهی به شهادتشان به آن اشاره فرمودند؛ «ملت ایران درس‌های اسلامی و شیعی خود را به خوبی بلد است». تصور دشمن آمریکایی-صهیونیستی این بود که با کودتا و فتنه دی‌ماه توانسته انشقاقی در جامعه ایران ایجاد کند و با ترور رهبر انقلاب و فرماندهان ارشد نظامی، مردم انقلابی ایران را دلسرد می‌کند و ترس و سستی را در آنها به وجود می‌آورد، اما آنچه در خیابان‌ها و شهرهای ایران رخ داد، یک خروش ملی برآمده از فرهنگ اصیل و عمیق انقلابی در مردم بود. یعنی مردم در این حساس‌ترین لحظات، به دشمن اثبات کردند که مقاومت، شجاعت، شهادت‌طلبی، وحدت ملی و اعتماد عمومی به تصمیم‌گیران و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی تا پای فدا کردن جان‌هایشان ادامه دارد و هیچ حادثه‌ای نمی‌تواند آنها را از مسیری که در آن هستند، منصرف سازد؛ لذا این چیزی است که

در پویش جان فدا، جنبه کمی آن به نمایش درآمده و به وجهی عددی منعکس شده است. اما جنبه‌های عملی و کیفی مکمل این پویش نیز به صورت دائمی در خیابان‌های شهر با شعارها دیده می‌شد و این فارغ از همه موقعیت‌های شغلی‌ای است که مردم در راستای کمک به جنگ انجام داده بودند؛ از پزشکان و امدادگران و بسیجیان گرفته تا اصحاب هنر و رسانه؛ لذا عدد فزاینده پویش جان فدا، نمادی زبان‌دار است که اجازه نمی‌دهد انواع کنش‌های میدانی مردم ایران در جهت مقاومت به محدوده مکانی آنها خلاصه شود و با جنبه کمی و عددی‌ای که دارد، به آن وسعت ملی و جهانی می‌بخشد تا بیش از پیش دیده شود.



پویش جان فدا نشانه‌ای از آمادگی و تاب‌آوری ملت ایران تا رسیدن به حقوق ملی خود است.



در جهان امروز، رسیدن به حقوق ملی در عرصه مناقشات بین‌المللی، با بیان مطالبات حقوقی یا قانونی ممکن نیست. با یک پیگیری ملی در یک فرایند تاریخی از آمادگی اجتماعی، انسجام جمعی و ظرفیت تاب‌آوری ملت در مواجهه با فشارها و چالش‌هاست که ملت‌ها به حقوق خود می‌رسند. از این منظر، کنش‌های جمعی گسترده ملت در شرایط سخت می‌تواند به‌عنوان شاخص‌های تجربی سنجش بلوغ اجتماعی و توان پایداری یک ملت در رسیدن به حقوق خود باشد.

مشارکت میلیونی مردم در پویش جان فدا در وضعیت یک جنگ وجودی نشان داد که بخش قابل‌توجهی از جامعه ایران از سطح واکنش فردی عبور کرده و به سطحی از کنش آگاهانه جمعی رسیده است؛ سطحی که در آن افراد، منافع و احساسات شخصی را در چارچوب یک هدف کلان ملی بازتعریف می‌کنند. این گذار، نشانه آمادگی اجتماعی برای پذیرش هزینه، مسئولیت و استمرار در مسیر مطالبات ملی است؛ مؤلفه‌ای که شرط بنیادین دستیابی به حقوق پایدار تلقی می‌شود. تاب‌آوری ملت ایران در این پویش، به‌صورت پایدار و فعال بروز یافته است؛ یعنی ملت ایران توان ایستادگی تا آخر را همراه با معنا، امید و جهت‌گیری مشخص دارد. پویش جان فدا نشان داد که جامعه قادر است فشارهای مادی و روانی، روایت‌های متعارض و فضای بی‌اعتمادی در زمان جنگ وجودی را مدیریت کرده و حول یک چارچوب ارزشی دفاع از استقلال و عزت کشور در برابر متجاوزان متحد شود.

مهم ترین عامل حجم مشارکت مردمی در پویش جان فدا موضع حق گرایانه ایران در این جنگ است.

فرهنگ ایرانی در طول تاریخ خود بر محور مجموعه ای از ارزش های دیرپا شکل گرفته است که حق گرایی، دادخواهی و اخلاق محوری از برجسته ترین آن ها هستند. این ارزش ها از طریق متون اسطوره ای، سنت های دینی، ادبیات حماسی و تجربه های تاریخی نسل ها منتقل



شده و در حافظه جمعی ایرانیان نهادینه شده اند. از همین رو، جامعه ایرانی نسبت به مفهوم حق علاوه بر واکنشی عقلانی، نوعی حساسیت عاطفی و اخلاقی نیز دارند که در برابر باطل فعال می شود؛ حساسیتی که مردم را به سمت مشارکت در امر جمعی هدایت می کند.

پویش جان فدا را می توان نمونه ای روشن از فعال شدن همین زیرساخت فرهنگی دانست. مشارکت گسترده در این پویش بیانگر آن است که مردم، هنگامی که یک کنش یا موضوع را در چارچوب حق طلبی اخلاقی معنا کنند، به سرعت وارد وضعیت بسیج ارزشی می شوند. این بسیج، نتیجه سازوکارهای معرفتی و فرهنگی ریشه دار است. این سازوکار به عنوان چارچوب معنابخش هنجاری عمل می کند؛ چارچوبی که به افراد نشان می دهد کدام کنش، بار ارزشی مثبت دارد و مشارکت در آن درست است.

پویش جان فدا نشان می دهد که جامعه ایرانی هنوز واجد نوعی اخلاق جمعی حق محور است؛ اخلاقی که ترکیبی از سنت های دینی، روایت های ملی و تجربه های تاریخی است و در بزنگاه های خاص فعال می شود. مشارکت میلیونی در پویش جان فدا را می توان به عنوان واکنشی فرهنگی به ادراک عمومی از امر متعالی تحلیل کرد. مردم، فارغ از تفاوت های طبقاتی و سیاسی، هنگامی که یک موضوع را با معیارهای حق گرایانه فرهنگ خود منطبق ببینند، وارد میدان مشارکت جمعی می شوند. حجم مشارکت در پویش جان فدا بیش از آنکه محصول محرک های بیرونی باشد، بازتاب ریشه های حق طلبی در فرهنگ ایرانی است؛ ریشه هایی که همچنان در شکل دادن به کنش های جمعی نقش تعیین کننده دارند.

بیعت ۳۰ میلیونی، نویدبخش نزول سکینه، فتح

قریب و نصرت های پایایی الهی است.



عبور آمار پویش «جان فدا برای ایران» از مرز ۳۰ میلیون نفر، تداعی گر یکی از درخشان ترین مفاهیم قرآنی است: «بیعت رضوان». وقتی مسلمانان در سال ششم هجری، در شرایطی حساس، با گذشتن از جان خویش، زیر یک درخت با ولی خدا پیمان جان فدایی بستند و خداوند در آیه ۱۸ سوره مبارکه «فتح»، رضایت خود از آنان را اعلام می کند: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ».

امروز نیز این حضور بی نظیر، تجلی همان اراده و اخلاص است. اما ثمره و برکت این جان فدایی و اعلام آمادگی چیست؟ مجموعه ای از وعده های شگفت انگیز و تخلف ناپذیر الهی، آرامش و پیروزی های نزدیک، نزول آرامش بر قلب ها «فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ» و پاداشی از جنس گشایش های نزدیک، همچون فتح قلعه های ۷ گانه خیبر «وَأَتَابَهُمْ فَفَتْحاً قَرِيباً». سرزیرشدن برکات و غنائم فراوان «مَغَانِمَ كَثِيرَةً» و دفع شر بدخواهان تا دست دشمنان از سر کشور کوتاه شود «وَكُفَّ أَيْدِي النَّاسِ عَنْكُمْ». تبدیل شدن این ملت مبعوث شده به الگوی آزادگان جهان «وَلْيَكُونُوا آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ» و رقم خوردن پیروزی هایی فراتر از توان مادی ما که تنها در احاطه قدرت خداست «وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا». انزوا و فرار دشمنان به گونه ای که یارای ایستادگی نداشته باشند؛ این یک سنت لایتغیر الهی است «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ حَلَّتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَحْدِلَ لِسَنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا».

بیعت ۳۰ میلیونی جان فدایان، تکرار باشکوه اراده جبهه حق است. وقتی ملتی این گونه صادقانه و یکپارچه به میدان می آید، بر اساس سنت های الهی، نتیجه روشن است: عقب نشینی دشمنان و طلوع «فتح مبین» برای ایرانی قوی! «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً مُبِيناً» (فتح/۱)